

حقوق خانواده

(نکاح؛ طلاق؛ نسب)

جامع‌ترین، کامل‌ترین و بروزترین کتاب

درسنامه جامع همراه با نکات طلایی

انتشارات اندیشه ارشد

مقدمه:

خانواده عبارت است از اشخاص که به دلیل قرابت نسبی یا سببی، با هم ارتباط دارند و از یکدیگر ارث می‌برند. لذا نهاد خانواده، از جهت اجتماعی، فرهنگی و... دارای ضرورت هست.

منابع حقوق خانواده:

قانون مدنی مواد ۱۰۳۴ تا ۱۱۷۹

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

قانون حمایت ازکودکان بی سرپرست و بد سرپرست مصوب

فهرست

فصل نخست: خواستگاری و نامزدی ۹
گفتار نخست: خواستگاری: ۹
گفتار دوم: نامزدی: ۱۰
بند نخست: تبیین نامزدی ۱۰
بند دوم: انحلال نامزدی ۱۰
بند سوم: آثار عقد نامزدی ۱۰
فصل دوم: اوصاف و شرایط نکاح ۱۳
گفتار نخست: اوصاف نکاح ۱۳
بند نخست: رضایی: ۱۳
گفتار دوم: شرایط نکاح ۱۴
مبحث نخست: شرایط اختصاصی: ۱۴
بند دوم: اذن دولت: ۱۴
بند سوم: اظهار اراده: ۱۴
بند چهارم: گواهی صحت: ۱۴
بند پنجم: رسیدن به سن نکاح: ۱۶
بند ششم: اذن ولی: ۱۷
مبحث دوم: شرایط عمومی: ۱۹
بند نخست: قصد و رضا ۱۹
بند دوم:اهلیت ۲۹
بند سوم:معین بودن زوجین ۳۱
بند چهارم: مشروعیت جهت ۳۱
فصل سوم: شروط ضمن عقد ۳۱
گفتار نخست:شروط مندرج در قباله های نکاح ۳۱
گفتار دوم: انواع شرطهای ضمن عقد: ۳۳
فصل چهارم: موانع نکاح ۳۵
بند نخست: وجود شوهر ۳۵

بند دوم:دوران عده ۳۵
بند سوم: لعان ۳۵
بند چهارم:احرام ۳۶
بند پنجم:قرابت نسبی ۳۶
بند ششم:قرابت سببی ۳۷
بند هفتم:قرابت رضاعی ۳۸
بند هشتم: سه طلاق و نه طلاق ۳۸
بند نهم: کفر ۳۹
بند دهم: داشتن چهار زن دائمی ۳۹
بند یازدهم: لواط ۴۰
بند دوازدهم: جمع بین دو خواهر ۴۰
بند سیزدهم: ازدواج با تبعه خارجی ۴۱
فصل چهارم: انواع نکاح: ۴۱
بند نخست: نکاح دائم ۴۱
بند دوم: نکاح موقت ۴۱
فصل پنجم: آثار نکاح ۴۳
گفتار نخست: آثار مالی ۴۳
بند نخست: مهریه ۴۳
بند دوم:انفاق ۵۴
بند سوم: اجرت المثل: ۵۹
بند چهارم: نحله ۵۹
بند پنجم:جهیزیه ۶۱
بند ششم:ارث ۶۱
بند هفتم: مستمری: ۶۲

گفتار دوم: آثار غیر مالی ۶۳
بند نخست:حسن معاشرت ۶۳
بند دوم: معاضدت در تشیید مبانی خانواده ۶۳
بند سوم: ریاست شوهر در خانواده ۶۴
بند چهارم: حضانت ۶۹
بند پنجم: سلب حضانت: ۷۱
فصل پنجم: انحلال نکاح ۷۴
گفتار نخست:فسخ ۷۴
گفتار دوم: طلاق ۷۷
بند نخست: تعریف و قواعد عام: ۷۷
بند دوم: ارکان طلاق ۷۸
بند سوم: وکالت در طلاق ۸۲
بند چهارم: انواع طلاق از حیث شخص اعمال کننده ۸۲
بند پنجم: انواع طلاق از حیث امکان رجوع: ۸۶
بند ششم: صدور حکم طلاق: ۸۸
گفتار سوم: فوت ۹۱
گفتار چهارم: انقضای مدت ۹۱
گفتار پنجم: بذل مدت ۹۱
گفتار ششم: لعان ۹۲
گفتار هفتم: انفساخ ۹۲
فصل ششم:عده ۹۲
بند نخست: تبیین ۹۲
بند سوم: مدت عده ۹۳
فصل هفتم: نسب ۹۵
بند نخست: تبیین و قواعد عام ۹۵
بند دوم: آثار نسب ۹۷
بند سوم: قواعد انتساب ۹۷

فصل هشتم: دادرسی خانواده ۹۸
گفتار نخست: صلاحیت ۹۹
فصل نهم: اهدای جنین ۱۰۱
فصل دهم: سوالات آزمون ۱۰۲
ضمائم: ۱۳۴
قانون حمایت خانواده ۱۳۵
قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۴۷
قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور ۱۵۴

فصل نخست: خواستگاری و نامزدی

گفتار نخست: خواستگاری:

در تبیین خواستگاری باید بیان نمود که نامزدی، عقدی هست که ما بین دو شخص برای انعقاد نکاح منعقد می‌گردد؛ ولی این عقد را باید جایز دانست؛ [1]یعنی هر زمان هر یک از طرفین اراده کند، می‌تواند آن را منحل نماید.

در این باب، هر زنی که مانعی برای نکاح نداشته باشد، می‌توان خواستگاری نمود که در این باره ماده ۱۰۳۴ ق.م. مقرر می‌دارد:« هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می‌توان خواستگاری نمود. »

در تعریف خواستگاری باید اذعان داشت که اگر مردی از یک زن، تقاضای نکاح نماید و برای انعقاد عقد نکاح، ایجاب دهد، باید این ایجاب را خواستگاری دانست. حتی پیشنهاد خواستگاری از طرف مرد نیز ایجاب محسوب می‌گردد.

نکته : خواستگاری از زنی که شرایط آن را دارد؛ ولی سبب مزاحمت گردد یا خواستگاری از زنی که دارای موانع نکاح هست، مصداق جرم بوده و باید آن را موجب مسئولیت مدنی دانست. در این باره ماده ۶۴۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد:« چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تکمن مالی، موقعیت‌اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آن‌ها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال‌محکوم می‌گردد. »

نکته: خواستگاری از زنی که شرایط آن را دارد؛ ولی سبب مزاحمت گردد یا خواستگاری از زنی که دارای موانع نکاح هست را باید سبب مسئولیت مدنی از نوع مسئولیت معنوی دانست؛ در غیر این صورت، انصراف از خواستگاری را نباید سبب مسئولیت مدنی دانست.

---

[1]. ماده ۱۸۶ - عقد جائز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد فسخ کند .

گفتار دوم: نامزدی:

بند نخست: تبیین نامزدی

نامزدی: توافقی بین طرفین عقد نکاح است که در آن بین دو شخص با قصد نکـاح در آینـده محقـق و منعقد می‌گردد. در این باب، باید نامزدی را عقدی جایز دانست؛ لذا هر یک از طرفین عقد نـامزدی هر زمان اراده کنند، می‌توانند آن را به هم بزنند.

نکته: نامزدی را نباید نکاح دانست که در این باب، آثار نکاح، بر نامزدی بار نمی‌گردد.

بند دوم: انحلال نامزدی

نامزدی را باید عقدی جایز دانست. لذا هر یک از زوجین هر زمان اراده کند، می‌تواند آن را به هم بزنـد و منحل کند که در این باب، هر یک از زوجین تا زمانی که عقد نکاح منعقد نشده باشد، مـی‌توانـد از این وصلت امتناع نماید و نیز طرف مقابل قادر نیست تا وی را با اجبار قضـایی، مکلـف بـه نکـاح نماید؛ به این دلیل که این موضوع، با اخلاق حسـنه و ازادی اراده اشـخاص بـرای نکـاح، متعـارض هست و نیز از حیث امتناع از نکاح، حق ندارد تا خسارتی را از طرف مقابل، مطالبه نماید.

لذا نامزدی را باید وعده به نکاح دانست که سـبب نکـاح نیسـت ؛ حتـی اگـر بـین زوجـین، عوضی تبادل گردد. در این باره ماده ۱۰۳۵ ق.م. مقرر مـی‌دارد:« وعـده از دواج ایجـاد علقه زوجیت نمی کند اگرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقررگردیده پرداخته شده باشد بنابراین هریک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جـاری نشده می تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی تواند به هیچ وجـه او را مجبـور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید. »

در این باره باید دانست که این ماده از مواد آمره هست و لذا طرفین نمی‌توانند تا بر خـلاف آن با هم توافق کنند بلکه باید به مفاد این ماده ملتزم باشند.

بند سوم: آثار عقد نامزدی

الف) مسئولیت مدنی

بر هم زدن نامزدی، مسئولیت مدنی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه هر یک از طرفین هر زمان اراده کند، می‌تواند آن را برهم بزند و نباید جبران خسارت نماید؛ مگر در دو حالت که جبران خسارت را باید ضروری دانست:

۱-تدلیس؛

اگر شخصی بر اساس اکراه طرف دیگر و نیز فریب باطرف مقابل نکاح منعقد نماید، در این حالت، مکلف به جبران خسارت هست لذا در این باره، اگر بتوان تقصیر شخص بر هم زننده نامزدی را احراز نمود، می‌توان از بر هم زننده، مطالبه خسارت کرد. در این باره، باید برای فریب خورده، امکان رجوع به فریب دهنده را در نظر گرفت که مطابق با قاعده غرور است.

۲-سوء استفاده از حق؛

اگر شخص بر هم زننده نامزدی، اعلام این حق را وسیله اضرار به طرف مقابل قرار دهد، سوء استفاده ازحق نموده و می‌توان از این اشخاص، مطالبه خسارت نمود.

ب) استرداد

اگر نامزی به هم بخورد، در برخی ازموارد، می‌توان هدایا را مسترد نمود که در این باب، باید به ماده ۱۰۳۷ ق.م. استناد نمود که اذعان می‌دارد:« هر یک از نامزدها می تواند در صورت بهم خوردن وصلت منظور هدایائی را که بطرف دیگر یا ابوین او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند. اگرعین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایائی خواهد بودکه عادتا نگاه داشته می شود مگر اینکه هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد. » [۲]لذا وفق این ماده باید دانست که هدایای نامزدی را که طرفین به هم اهدا نموده اند، می‌توانند مسترد نمایند؛ مگر این که:

اولا: هدایای مزبور، مصرف شدنی باشند. [۳]

---

[۲]. ماده ۱۰۳۸ - مفاد ماده قبل ازحیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها بهم بخورد مجری نخواهد بود.

[۳]. **مال باقی ماندنی یا مصرف شدنی؛(به اعتبار مصرف)**

الف)مصرف شدنی:

برخی از اموال ممکن هست که با یک دفعه استفاده، دچار فساد و از بین رفتن گردد که به آن مال مصرف شدنی گفته می‌شود. مثل میوه‌ها، نوشیدنی‌ها و... .

به عبارت دیگر هر مالی که با استفاده متعارف ازآن از بین می‌رود، مال مصرف شدنی محسوب می‌شود. مثل بنزین در داخل ماشین یا خوراکی‌ها

یا

ثانیا: باقی ماندنی باشد؛ ولی بدون تقصیر نامزدی طرف مقابل، تلف شده باشد؛
در غیر این صورت، سایر هدایای باقی ماندنی را باید قابل استرداد دانست.
به علاوه، اگر نامزدی به هم بخورد، نسبت به عکس ها و نیز نامه های طرفین عقد، باید دانست که :
در مورد عکس ها: باید آن را مسترد نمود؛
در مورد نامه ها: لازم نیست که مسترد گردد.

ب) باقی ماندنی:
اموالی هستند که می‌توان با باقی ماندن اصل مال، آن را مورد استفاده قرار داد. مثل زمین و اثاثیه منزل. یعنی استفاده متعارف از آن با از بین رفتن مال، ملازمه ندارد.
اکثریت این اموال در نتیجه استفاده مکرر قابلیت انتفاع خود را از دست داده ولی امکان بهره گیری طولانی مدت را دارا هستند.
نکته: توافق دو طرف ممکن هست که این امکان را ایجاد نماید تا یک مال مصرف شدنی، به طور باقی ماندنی در آید مثل این که شخصی میوه ای را برای نمایش در نمایشگاه و استرداد مجدد میوه به مالک عین، اجاره نماید.

فصل دوم: اوصاف و شرایط نکاح

گفتار نخست: اوصاف نکاح

بند نخست: رضایی:

نکاح را باید عقدی رضایی دانست که در این باب، با وجود این که عقد نکاح دائم، باید به ثبت برسد؛ ولی نباید ثبت را از ارکان اساسی صحت این عقد دانست و نیز باید نکاح منقطع را در برخی از موارد، ثبت نمود. در این باب ، ماده ۲۰ و ۲۱ ق.ح.خ.قابل استناد است که در این باب، ماده ۲۰ ق.ح.خ. مقرر می‌دارد:« ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است. »

همچنین، ماده۲۱ ق.ح.خ نیز اذعان می‌دارد:« نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار می دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت آن در موارد زیر الزامی است:

۱ـ باردارشدن زوجه

۲ـ توافق طرفین

۳ـ شرط ضمن عقد

تبصره ـ ثبت وقایع موضوع این ماده و ماده (۲۰) این قانون در دفاتر اسناد رسمی ازدواج یا ازدواج و طلاق مطابق آیین نامه ای است که ظرف یک سال با پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد و تا تصویب آیین نامه مذکور، نظام نامه های موضوع ماده (۱) اصلاحی قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶/۲/۲۹ کماکان به قوت خود باقی است. »

همچنین نباید عدم ثبت نکاح را سبب بطلان عقد نکاح دانست؛ بلکه فقط سبب تحقق کیفر هست و مردی که نکاح دائم خود را به ثبت نرساند، باید مورد کیفر واقع گردد که در این باب، ماده ۴۹ . ح.خ مقرر می‌دارد: « چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است. »

در این باره، هر چند نکاح معاطاتی باطل هست؛ ولی نکاح را باید با الفاظ مشخصی محقق نمود.

در عقد نکاح، اراده اشخاص باید با ذکرالفاظ محقق گردد و اشاره، نگارش و کتابت کافی نیست . الفـاظ در تحقق عقد نکاح را باید ضروری دانست؛ به جز این که دو طرف عقد یا یکی از ایشان بـر تکلـم قدرت نداشته باشد؛ در این حالت، اشاره را باید کافی دانست. اشاره نمودن را باید در فـرض عـدم امکان کلام برای تحقق نکاح مناسب دانست و الا کافی نیست.

گفتار دوم: شرایط نکاح

مبحث نخست: شرایط اختصاصی:

این شرایط خاص عقد نکاح هست و در سایر عقدها موجود نیست.

بند نخست: اختلاف در جنسیت:

نکاح بین مرد با مردیا زن با زن را باید ممنوع دانست که در این رابطه فقط نکاح بین مرد با زن را باید صحیح دانست. لذا اگر بین دو هم جنس نکاح منعقد گردد، از اساس این نکاح را باطل است.

نکته: تغییر جنسیت نیز سبب انحلال نکاح می‌گردد؛ یعنی اگر مردی با زنی نکاح منعقد کند و مـرد یـا زن بعدا جنسیت خود را تغییر دهد و با طرف مقابل خود، همجنس گـردد، نکـاح را بایـد منحـل و منفسخ دانست.

بند دوم: اذن دولت:

در برخی ازموارد لازم هست تا کارمندان دولیت ، از دولت اذن اخذ نمایند که در این رابطه ماده ۱۰۶۱ ق.م. مقرر می دارد:« دولت می تواندازدواج بعضی ازمستخدمین ومامورین رسمی ومحصلین دولتی رابازنی که تبعه خارجه باشدموکول به اجازه مخصوص نماید. »

بند سوم: اظهار اراده:

در این باره، باید الفاظ نیز ذکر گردد که این الفاظ باید دلالت کننده بر انعقـاد همچنـین قصـد انعقـاد نکاح باشد. در این رابطه، ماده ۱۰۶۲ ق.م. اذعان می دارد:« نکاح واقع مـی شـودبه ایجـاب وقبـول بالفاظی که صریحادلالت برقصدازدواج نماید. »

بند چهارم: گواهی صحت:

هر یک از زوجین، برای انعقاد عقد نکاح، باید گواهی سلامت و صحت خود را عرضـه کنـد کـه در ایـن راستا ماده ۱۰۴۰ ق.. اشعار می‌دارد:« هریک ازطرفین می توانـدبرای انجـام وصـلت منظـورازطرف

مقابل تقاضاکندکه تصدیق طبیب به صحت ازامراض مسریه مهم ازقبیل سفلیس وسوزاک وسل ارائه دهد. »

بر همین مبنا ماده ۲۳ ق.ح.خ اذعان می‌دارد:« وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ لازم الاجراءشدن این قانون بیماری هایی را که باید طرفین پیش از ازدواج علیه آنها واکسینه شوند و نیز بیماری های واگیردار و خطرناک برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را معین و اعلام کند. دفاتر رسمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح گواهی صادرشده از سوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلاء به بیماری های موضوع این ماده ویا واکسینه شدن طرفین نسبت به بیماری های مذکور را از آنان مطالبه و بایگانی کنند.

تبصره ـ چنانچه گواهی صادرشده بر وجود اعتیاد و یا بیماری دلالت کند، ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است. در مورد بیماری های مسری و خطرناک که نام آنها به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می شود، طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین شده معرفی می شوند. در مواردی که بیماری خطرناک زوجین به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منجر به خسارت به جنین باشد، مراقبت و نظارت باید شامل منع تولید نسل نیز باشد.»

به علاوه باید به ماده ۵۵ ق.ح.خ. اشاره نمود که بیان می‌دارد:« هر پزشکی که عامداً بر خلاف واقع گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱)[۴] این قانون را صادر یا با سوء نیت از دادن گواهی مذکور خودداری کند، بار اول به محرومیت

درجه شش موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به طبابت و بار دوم و بالاتر به حداکثر مجازات مذکور محکوم می شود. »

در این رابطه، ماده ۵۶ ق.ح.خ. در مقام بیان ضمانت اجرای تخلف سردفتران از این تعهد، مقرر می‌دارد:« هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱) این قانون یا بدون اخذ اجازه نامه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی یا حکم صادرشده درمورد تجویز ازدواج مجدد یا برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند یا بدون حکم دادگاه یا

---

[۴]. ماده۳۱ـ ارائه گواهی پزشک ذی صلاح درمورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است، مگر آنکه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند.

گواهی عدم امکان سازش یا گواهی موضوع ماده (۴۰) این قانون یا حکم تنفیذ راجع به احکام خارجی به ثبت هریک از موجبات انحلال نکاح یا اعلام بطلان نکاح یا طلاق مبادرت کند، به محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می شود. »

همچنین در زمینه عدم ثبت نکاح، باید مطابق ماده ۴۹ ق.ح.خ. عمل نمود که مقرر می‌دارد:« چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.»

بند پنجم: رسیدن به سن نکاح:

در باب سن نکاح نیز باید دانست که عقد نکاح، واقع می شود به ایجاب و قبول بالفاظی که صریحادلالت بر قصد ازدواج نماید.

در نکاح، سن بلوغ شرط نیست بلکه قانون گذار برای نکاح، سن مشخصی در نظر گرفته است که در این باره، ماده ۱۰۴۱ مقرر می‌دارد:« عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح . »

در این باب، اگر شخصی از این حکم تخطی نماید، ضمانت اجرایی مندرج در ماده ۵۰ ق.ح.خ. برای متخلف بار می‌گردد. این ماده مقرر می‌دارد:« هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. هرگاه ازدواج مذکور به مواقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به مواقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می شود.

تبصره ـ هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.»